

مشکل عبور و مرور

کسانی که چند صباحی در خارج گذرانیده باشند ، در مراجعت بوطن اولین نکته‌ای که بذهن ایشان برمیخورد و سندی بی نظمی ما را بدست میدهد ، مسئله عبور و مرور و سائط نقلیه در شهر و گذرهاست .

عامل این بی نظمی عجله‌ای است که هم سواره و هم پیاده از خود بروز میدهند . ظاهر قضیه اینطور وانمود میکند که همه در این مرز و بوم سخت مشغولند و غفلت از کار و وظیفه حتی برای يك لحظه هم باشد امکان پذیر نیست . ولی ما که از کار و وضع یکدیگر اطلاع داریم میدانیم که کار و باری در کار نیست پشت میز اداره چرت میزنیم ، يك استکان چای را با طمانینه صرف میکنیم و برای نوشتن يك پیش نویس بعضی اوقات چند خط را مینویسیم و چند خط بقیه را بروز دیگر حواله میدهیم . یا اگر کارگریم در کار سخت کوش نیستیم ، زود خسته میشویم و ترجیح میدهیم درکنج دیواری بایستیم و ساعتها بفکر و خیال واهی فرو رویم .

حال چه چیز محرك این بی ترتیبی است باید گفت ما مردم عادت به نظم و ترتیب پیدا نکرده‌ایم . دماغهای ما برای رعایت نظم و ریزیدگی کافی را ندارند .

خصلت بی نظمی خود محصول سه عامل تربیتی ، روانی و فیزیکی است . یکنفر بی نظم است برای آنکه از تربیت بهره کافی برنگرفته است یا از نظر روانی دچار نوسانهائی است یا آنکه از لحاظ فیزیکی اختلالهائی در امعاء و احشاء و یا سایر جوارح و اعضای بدن خود دارد .

معتقدان به اصول نظم و ترتیب نمیتوانند تحمل کنند موقعی که می بینند چراغ سبز برای عبور ماشینها و چراغ قرمز برای متوقف شدن پیاده ها روشن شده است ، شخصی خود را بوسط اتومبیلها بیندازد و بخواهد هرطور شده دل بدریا بزند و بپلر طرف دیگر خیابان برود . عکس قضیه نیز مصداق دارد و آن موقعی است که اتومبیلی علامت قرمز را ندیده انگارد و اراده کند از اجازه‌ای که به عابر پیاده داده شده است سوء استفاده نماید .

میدانیم علائم چراغ برای عبور و مرور یعنی دستورپلیس ، دستوری که اطاعت از آن الزام آور است . اگر در خلال یکی از این علائم تصادفی رخ دهد ، برحسب آنکه بکدام يك از دو طرف سواره

با پیاده اجازه عبور داده شده است ، جرائم منظور برای طرف دیگر تشدید میشود .

هر يك از ما در هر روز ده ها بار شاهد آن هستیم که این علائم عبور و مرور از طرف هر يك از دو طرف سواره و پیاده نقض میگردد .

امر بی نظمی در رانندگی و در عبور از خیابانها صرفنظر از آنکه زیانهای مخصوص بخود را دارد وقت زیاد مأموران انتظامی و قضائی را میگیرد ، در موضوع جلب سیاحان که در دنیای امروز یکی از مسائل مهم و مورد توجه است و از منابع عمده درآمد محسوب میگردد نیز تأثیر دارد . درآمد بعضی از ممالک از راه جلب سیاحان ، در سال بچند صد میلیون دلار سر میزند . بی جهت نیست که این امر مورد توجه نخست وزیر قرار گرفته است . ولی باید دید با وضعی که عبور و مرور در کوچه ها و خیابانهای مادارده توفیق در این امر تا چه اندازه مقدور است ؟

معمولاً سیاحان در يك کشور خارجی ترجیح میدهند شخصاً برانند ، این اشخاص با سابقه ذهنی که از رانندگی در کشور خود دارند تصور میکنند علائم رانندگی که کم و بیش شکل واحد بین المللی بخود گرفته است توسط مردم همه بلاد عالم رعایت میگردد ، تصادف های ناگواری که بوسیله بعضی از این سیاحان که جسته و گریخته بکشور ما میآیند رخ میدهد ، مؤید آن است که آنها تا چقدر در حسابه های خود مرتکب اشتباه میشوند و خاطره این اشخاص را در مراجعت بکشور خود میتوان بخوبی پیش بینی کرد .

درست است که کوچه و خیابانهای ما در جنوب و مرکز شهر بدون توجه به حجم کنونی وسائط نقلیه ساخته شده است و این خود یکی از اشکالات عمده کار است ولی میتوان با کمی تعمق و اندیشه از امکانات موجود حد اعلائی تسهیل را در عبور و مرور فراهم آورد .

در اجرای این نظر ، اولین قدمی که باید بعمل آورد ، تکمیل علائم چراغ در همه چهارراهها و سه راهها است . همچنین قسمت هایی از خیابانها که برای عبور عابر پیاده اختصاص داده شده است باید خط کشی شود و هاشور زده شود .

میدانیم علامت چراغ به سه رنگ است : قرمز برای توقف کردن . زرد برای صاف شدن میدان عبور ، مراد آن است اگر پیاده ای بوسط خیابان رسیده باشد ، امکان آن را داشته باشد بقیه فاصله را طی کند و بطرف دیگر برسد . همچنین اگر اتومبیلی داخل چهارراه شده باشد فرصت پیدا کند در مسیر اصلی خیابانی که میخواهد داخل گردد . سبز اجازه عبور . بنظر میرسد در اکثر چهارراه ها و سواره های شهر تهران از چراغ زرد که نقش عمده ای در تنظیم عبور و مرور دارد استفاده بعمل نمیآید .

مشکل دیگر عبارت از آن است که وسائط نقلیه خود را مجاز میدانند ، هر جا بخواهند پارك کنند . پارك کردن در نقاط پر

جمعیت و در مسیر هائی که رفت و آمد اتومبیلها زیاد است ابتدا نباید اجازه داده شود. دلیل آن واضح است، زیرا پارک کردن اتومبیلها در طرفین خیابانها از عرض خیابان میکاهد و امکان تصادف را زیاد میکند.

در شهرهای بزرگ عالم در نقاطی که رفت و آمد وسائط نقلیه زیاد است، در گوشه‌ای از همان خیابان زمین نسبتاً وسیعی برای پارک کردن اختصاص داده شده است.

مشکل سوم کار ما طرز کار تاکسی‌ها است. این تاکسی‌ها یا بشقاب‌های پرنده زمینی معجون افسار گسیخته‌ای هستند که دائم در حرکتند با هر سرعتی که بخواهند میرانند و معتقد بقیدو شرطی هم نیستند. شاید در این طرز کار خود خیلی مقصر نباشند چون باید اقساط خرید تاکسی را بپردازند یا اگر شخصا مالک تاکسی نیستند باید دخل بدهند و خود و عائله‌شان هم برای زنده ماندن باید چیزی برای خوردن بدست آورند، این است که سرعت سرسام داشتن آنها مسئله مرگ و زندگی است. ولی میتوان مشکل تاکسی‌ها را باین طریق حل کرد: چون کشور های متری، تعداد تاکسی‌ها را برحسب جمعیت و میزان تقریبی استفاده مردم هر ناحیه از شهر باید بناواحی مختلف تقسیم کرد. هر تاکسی بدستگاه تلفن خودکار مجهز است و تمام تاکسی‌های هر ناحیه هنگامی که مسافر ندارند در نقطه معین در همان ناحیه توقف میکنند، در صورت احتیاج، اشخاص بشماره معین تاکسی‌های آن ناحیه تلفن مینمایند و نشانی خود را میدهند، در فاصله کوتاهی تاکسی جلوی درب منزلشان متوقف میشود.

با این ترتیب نه دیگر کسی احتیاج دارد که دقیق طولانی در گوشه‌ای از شهر سرپا در انتظار تاکسی بایستد و نه تاکسی‌ها الزام دارند افسار گسیخته بهر گوشه‌ای روان باشند و قافیه را بر سایر رانندگان تنگ نمایند.

بنظر میرسد حل قضیه تا اندازه زیادی بدست مردم باشد، این مردمنده که بخاطر آنها خیابانها و کوچه‌ها بوجود آمده است، بنابراین رعایت احترام امامزاده یا متولی است.

موضوع رعایت نظم در عبور و مرور خواه توسط عابریاده، خواه توسط راننده وسائط نقلیه، مسئله‌ای است که با حیثیت ملی ما مرتبط است. در هر گوشه‌ای از این شهر دو میلیون کم و بیش خارجیانی وجود دارند که ناظرین طرز رفت و آمد ما هستند. از آنجائی که عقل بیشتر مردم در چشمان ایشان است، از کجا يك قسمت از قضاوت‌های آنها درباره ما از این قبیل مشاهدات تشکیل نگردد.

پلیسان مأمور راهنمایی و رانندگی در عین حال نقش عمده‌ای در تنظیم راهنمایی و رانندگی بعهد دارند. وقتی قانون به پلیس میگوید، که گزارش او معتبر است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود، معلوم است که اگر از این قدرت استفاده صحیح بضرر خطا کار و نفع بی تقصیر بعمل آید، بسیاری از خیره‌سری‌ها بر طرف میگردد.

پلیس چشم قانون است. پلیسانی که برای راهنمایی

وراندگی انتخاب میشوند ، نه تنها از نظر قدرت جسمانی باید سرآمد دیگران باشند بلکه باید دارای قدرت توجه ممتاز باشند و از همه مهمتر در اجرای وظیفه انحاء نابدیر باشند .

این شعار رانندگی در کشورهای مترقی است « حق تقدم با عابر پیاده است » . برای نگارنده بارها در خارج پیش آمده است که هنگام عبور از خیابان ، راننده ای از اجازه عبور خود صرف نظر میکرد و بمن اشاره مینمود حرکت کنم . چه بسا در این باره کارما بتعارف میکشید . آنچه در اینجا می بینم عکس وضع مذکور است . همه میخواهیم تجاوز کنیم ولو بحق کوچک عبور .

معمولا پس از نیمه شب عبور و مرور وسائط نقلیه و مردم کم میشود ، در خارج هم همینطور است ، در این قبیل مواقع نیز نگارنده شاهد بوده است ، وقتیکه اتومبیلی به چهارراه میرسد با اینکه از وسائط نقلیه دیگر خبری نبود با این وصف راننده حرکت خود را تابع علامت چراغ میدانست . این جز بانضباط و تربیت اجتماعی و اخلاقی بچیز دیگری نمیتواند تعبیر شود . این نشان میدهد بعضی بر اثر استحکام اخلاقی « چون بخلوت میروند آن کار دیگر نمیکند » ولی بنظر میرسد ما برای انجام دادن آن کار دیگر احتیاج بخلوت رفتن راهم نداریم .

ما برای مترقی نشان دادن خود احتیاج نداریم قصرهای خورنق بسازیم و عمارت ۱۵ الی ۲۰ اشکوبه برپا کنیم اگر بتوانیم اصلاح وضع خود را از همین قبیل امور بظاهر کوچک شروع کنیم و برای انضباط فکری و اخلاقی جای بیشتری در زندگی اجتماعی خود باز کنیم بر بسیاری از مشکلات موجود غلبه کرده ایم .